**مصاحبه با BHPrivateKabul060818**

**تاریخ 06 اوگست 2018**

**مصاحبه در واحد فروشات شرکت تولیدی**

(به گونه‌ی استثنایی: مصاحبه در موجودیت دیگر اشخاص اما در گوشه‌ی خلوت اتاق طوری که سوال و جواب را دیگران نشنوند)

ک: یک معرفی مختصر از خود کنید که نقشتان چی است در شرکت چی کار می کنید؟

BHPrivateKabul060818: نقش ما، مه به عنوان رییس هستم در این شرکت. از سال، شروع کار ما از سال 1385 بوده که در افغانستان کار ره شروع کردیم. قبلا هم ما در همین کار تولیدی بودیم در کشور جمهور اسلامی ایران. بعدش آمدیم اینجه. از همو روزی که اینجه شروع کردیم تا حالی همینجه مصروف به کار هستیم.

ک: چند سال در ایران کار کردید؟

BHPrivateKabul060818: ده ایران پانزده سال بودم.

ک: شرکت چی تعداد کارگر داره؟

BHPrivateKabul060818: ده مجموع 20 تا 25 نفر داره.

ک: چگونه اینها استخدام میشن؟ مقطعی هستند؟ ماهانه معاش می گیرند؟ یا این که [قطع]

BHPrivateKabul060818: اینها یک سری‌اش مقطعی هستند و یک سری دیگر دایمی اند.

ک: فیصدی شان معلوم است که چی تعداد دایمی است چی تعداد مقطعی؟

BHPrivateKabul060818: دایمی شان تقریبا، 20 نفرش دایم است، بعد از این [از این تعداد] که زیاد میشه باز مقطعی میشه.

ک: تولید در شرکت به چی شکل است؟ مستقیم با دست تولید میشه؟ یا این [قطع]

BHPrivateKabul060818: نی نی! با ماشینری است.

ک: قسما ماشین است قسما دست انسان است؟

BHPrivateKabul060818: ما سال 85 ماشینری که آورده ایم، از ایران آورده ایم، تا سال 93 از او استفاده کردیم. در 93 آنها را کنار گذاشتیم و ماشینری ره کلش ره از چین آوردیم. دیگه، فقط ما مواد پی.وی.سی ره از کشورهای همسایه وارد می کنیم. بقیه موادها ره خود ما همینجه تهیه می کنیم. حتا مسش را خود ما ذوب می کنیم. مس های کبار [دست دو] از بیرون جمع می کنیم اینجه ذوب می کنیم برای خود استفاده می کنیم.

ک: باز ماشین ها رقمی است که شما مواد خام ره داخل می افته، باز از او طرف کاملا مواد پخته بیرون میشه

BHPrivateKabul060818: [ها!] پخته بیرون میشه!

ک: یا این که هر بخشش جداگانه است؟

BHPrivateKabul060818: ما یک بخش داریم مثلا موادی که از بیرون جمع میشه مواد کبار جمع میشه اینجه بسته بندی میشه بعد سورت [sort] میشه به اصطلاح. درجه یک، دو، سه میشه. بعد کوره داریم. کوره که روشن میشه میره داخل کوره، مفتولی 18 میلی می آید. بعد مفتول 18 ملی پروسس میشه میره تا مفتولِ یک میلی میرسه. بعد از او میره ده همو و کارها شروع میشه. این یک قسمتی از سیم سازی است. یک قسمتی هم کوره است و یک قسمتی هم به همین مواد خامی که دسته دسته میشه و یک قسمت هم برای تولید است. به سه دسته تقسیم است کار ما.

ک: یک بخش هم تولید پوش و چی است [قطع]

BHPrivateKabul060818: ها دیگه. یک بخشی که مواد می آیه دسته دسته میشه، یک بخش کوره است و یک بخشی که است می بری پوش اینها آماده میشه.

ک: طرز فروشاتتان چی رقم؟ مثلا حد اوسط شما به حلقه می فروشید یا چی رقم است؟

BHPrivateKabul060818: فروشات خو این دفتر ما اینجه است. دیگه اطرف مثلا نمایندگی ها هستند، دکان ها هستند می آیند از ما عمده می خرند. ما اینجه پرچون نمی فروشیم که یک بسته و دو بسته بفروشیم. که می آیند [مشتری ها] چیزهای [مقادیر] بالا می خرند.

ک: یک واحد فروشات شما چقدر نرخ داره در کابل؟

BHPrivateKabul060818: واحد فروشات در کابل خوب بستگی داره. مثلا، یک وقتی است که توزیع برق مثلا سمت غرب برق توزیع میشه، او قسمت [او قسمت شهر] فروشات ما بیخی زیاد است. و یک سمت دیگری که توزیعات برق کمتر است آن سو کمتر میشه. باز هم یک وقت می بینی که سمت جنوب یا سمت شمال مثلا توزیعات برق زیاد است همو سمت فروشات ما زیاد میشه.

ک: به چی ارزش می فروشید یک، مثلا، به چی به حلقه می فروشید؟

BHPrivateKabul060818: ما اینجه مثلا بیست رقم مال تولید داریم. بیست قلم مال تولید داریم. اینها هر کدام قیمت هایش مختلف هستند. از قیمت پایین ترین 600 افغانی شروع میشه، هر بسته اش، تا 6000 افغانی.

ک: بیشتر باز از کدام نوع می فروشید؟

BHPrivateKabul060818: بیشتر خو از همی سیم های ساختمانی سودا میشه که ما هر بسته اش ره 1400 و 1500 است.

ک: تولیداتتان به اساس یک برنامه تولیدی است که تقسیم اوقات دارید [قطع] که این قدر ما باید تولید کنیم در این مدت؟

BHPrivateKabul060818: ما دکان در اینجه داریم، گدام در او طرف [او طرف شهر، جایی که فابریکه موقعیت داره] داریم. گدام ره می بینیم برای بچه ها لست می دهیم که این هفته در قدم اول این چیز تولید میشه، از دنبالش این تولید میشه، از دنبالش این تولید میشه. از شنبه تا پنج شنبه ره ما چی داریم، لست داریم.

ک: این ره، مثلا، بازار باشه نباشه شما همین تقسیم اوقات ره تعقیب می کنید؟

BHPrivateKabul060818: [پرسش را درست درک نکرده مصاحبه دهنده] ها! ها! خُب نظر به بازار می بینیم که کدام مال کمبود است یعنی از شنبه [تصحیح] پنج شنبه بچه ها برآورد می کنه که شنبه اینی چیز تولید شوه، یک شبنه این، دُنبالش این، تا روز پنج شنبه ره از همین تقسیم اوقات برایش داده میشه.

ک: ظرفیت کلی، شما حد اکثر اگر تولید کنید، حد اکثر تولیدتان در چی حد است؟ چقدر تولید می توانید داشته باشید؟

BHPrivateKabul060818: ما در روزی دو تُن تولید داریم. در 24 ساعت دو تُن تولید داریم.

ک: این ره، همین فعلا هم می توانید استفاده کنید از ظرفیت [قطع]؟

BHPrivateKabul060818: ها! فعلا ما از همین چیز پسمان هستیم و چیز نیستیم [پیش نیستیم و نیاز به تولید بیشتر داریم].

ک: سرمایه ی اولیه شرکت از کجا به دست آمده؟ شما مثلا کدام بانک بود که قرض گرفتید، که پس به اساس انترس پس بدهید [قطع]

BHPrivateKabul060818: سرمایه ی اولیه از خود ما بودند که خود ما در ایران هم همین کار تولیدی ره داشتیم. از اونجه آمدیم باز کم کم اینجه آمدیم. خوده کشاندیم به این طرف. از بانک هم قرضه گرفته ام، بله ها. از AIB [قطع]

ک: [تأییدی] از AIB ؟

BHPrivateKabul060818: از AIB بله.

ک: تضمین و ...؟

BHPrivateKabul060818: قواله خانه خوده برایش داده ام.

ک: نرخ سود او برای شما کدام مشکلی نیست که [...] چند فیصد؟

BHPrivateKabul060818: فیصدش ره ما 7.5% برایش می دهیم.

ک: پس یک ترکیبی بوده از قرضه ی بانک و پول شخصی که از [قطع]

BHPrivateKabul060818: بله! ها!

ک: باز ارزش سرمایه گذاری [...] یک لغت است در اقتصاد اکونومیز اُف سکیل [economies of scale] میگن، تا چه حد شما سرمایه یتانه بند انداختید در این شرکت؟ به چه سطحی؟

BHPrivateKabul060818: در این شرکت ما ده حدود پنج تا شش میلیون دالر ره بند انداخته ایم.

ک: به تدریج یعنی؟

BHPrivateKabul060818: [بله] به تدریج. ما اینجه آمدیم. زمین از خود ما نبود، زمین ره به پیسه ی شخصی خریدیدم. جور کردیم. بعد برق و ماشینری نو که خریدیدم، پارسان، او دو میلیون دالر فقط ماشینری از چین خریدیدم.

ک: پارسال؟

BHPrivateKabul060818: [بله] پارسال.

ک: یعنی آخرین باری که شما برای توسعه شرکت پول مصرف کردید پارسال بود؟

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: معاش کارگرها چند است باز؟

BHPrivateKabul060818: معاش کارگرها بالاترینش 30 هزار و پایین ترینش 10 هزار.

ک: کارگرهای که ده هزار معاش می گیرند چه تعداد هستند ده بین کارگرها؟

BHPrivateKabul060818: شاید از همین 25 نفر، پنج، شش نفرش باشه. باز به تدریج معاش ها بلند میره.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه ی صنعتی یا کدام چیزی از این قبیل هم است؟

BHPrivateKabul060818: شامل اتحادیه نی، نیستیم.

ک: کدام مجتمعی باشه که دیگر شرکت ها هم جمع باشند و [قطع]

BHPrivateKabul060818: نی نی. فقط همو انجمن است و خلاص.

ک: انجمن [...] [قطع]

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: عضویت در انجمن ره چی گونه می بینید شما؟ کدام مفادی داشته برای شما ده قسمت دسترسی به مواد خام یا دسترسی به مواد [قطع]

BHPrivateKabul060818: نی! تا به حالی برای ما هیچ کدام چیزی نداشته.

ک: هیچ گونه کمکی نکرده!؟

BHPrivateKabul060818: نی نی. عضویت انجمن هستیم. عضویت اتاق صنایع هم هستیم. مقصد برای کدام چیزی نداشته تا به حالی.

ک: مفادش چی بوده اگه عضو بوده اید؟

[مزاحمت – زنگ موبایل]

ک: پس دلیل عضویت تان چی است؟ چی مفادی مثلا توقع داشتید از این نهادها؟

BHPrivateKabul060818: ما خو مثلا عضویت داریم دیگه. آنهم با کدام هزینه ای آنچنانی نیست که [...] هزینه ی ناچیزی است. باز هم برای ما خوب است که یک معلوماتی یک چیزی وقتی که یک مشکلی باشه.

ک: چی نوع معلومات مثلا؟

BHPrivateKabul060818: یک نمایشگاه برگزار میشه برای ما اطلاع می دهند. وقتی که اگر بخواهیم ده یک نمایشگاه عضو شویم برای ما امکاناتش است.

ک: مجرایش همین است؟

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: در قسمت دسترسی به خدمات برق و سرک و این گپ ها کدام کمکی اینها می توانند انجام بدهند؟

BHPrivateKabul060818: خُب بعضی موقع ما اگر کدام مشکلی داشته باشیم میریم همونجه ارایه می کنیم اگر امکاناتش بود اونه میشه، نبود نمیشه.

ک: کدام وقتی شده که به گونه ی مستقیم به شما فایده رسانده باشه؟ شکایت کرده باشید در یک بخشی [قطع]

BHPrivateKabul060818: فایدیشی [گویش هزاره گی] برای ما فقط همین برق ره قرار بود دولت از ما هفت روپیه بگیره باز اینها یک چند فیصدی کم کردند. توانستند کم کنند. نه تنها برای ما برای همه ی [فابریکه ها].

ک: پس یک کمکی رسیده در هر حال!

BHPrivateKabul060818: ها!

ک: شرکت ره گفتید که از سال 1385 به این طرف فعال است!

BHPrivateKabul060818: فعال است، ها.

ک: در حدود چند سال میشه، یازده سال میشه!

BHPrivateKabul060818: [بله] یازده سال میشه.

ک: این بخش سوال ها بیشتر بالای شما است به عنوان کسی که وارد کار صنعت شده اید، در افغانستان. انتخاب کرده اید این عرصه ره. سوال اولم این است که شما در وقت فراغت چی کار می کنید؟ چی کاری می کردید قبلا که حالی یا از روی مصروفیت یا از روی نوعیت کارتان قادر نیستید او ره ادامه بدهید؟ به ساعتتیری چی می کنید؟

BHPrivateKabul060818: خُب مه اینجه، مصروف کار رقمی هستیم که صبح هفت بجه می آییم و تا چهار دیگر، پنج دیگر همینجه هستیم. دیگه وقت هم نمی مانه، خسته و ذله می شویم. و دیگه شرایطش هم نبوده که ما برویم تحصیل بکنیم.

ک: در روزهای آخر هفته چی می کنید؟ وقتی که دکان بسته می باشه یا [قطع]

BHPrivateKabul060818: بسته فقط ما روزهای جمعه تعطیلی داریم، خلاص. دیگه روزها هستیم.

ک: ده روزهای جمعه چی می کنید مثلا؟

BHPrivateKabul060818: روزها جمعه می رویم فوتبال می کنیم. بیرون می رویم، به همراهِ بچه ها بیرون می رویم.

ک: یک بار ازدواج کرده اید یا چند بار؟

BHPrivateKabul060818: نی یک بار [خنده]

ک: آیا گاهی کتاب هم می خوانید؟

BHPrivateKabul060818: کم کم.

ک: چی نوع کتاب هایی ره مطالعه می کنید؟

BHPrivateKabul060818: همین کتاب های که در بارهِ افغانستان، در بارهِ تجارت ما.

ک: موسیقی، از چه نوع موسیقی گوش می دهید؟

BHPrivateKabul060818: موسیقی علاقه ندارم.

ک: هیچ نمی شنوید؟

BHPrivateKabul060818: هیچ نمی شنوم.

ک: نه وطنی، نه بیرونی؟

BHPrivateKabul060818: نی نی. موسیقی نمی شنوم.

ک: ده اجتماعی که زندگی می کنید، یک تصویری، یک ذهنیتی شما دارید از موقعیت مالی تان، یکی هم مردم یک تصویر دارند. مثلا میگن "فلانی این طور یا آن طور است". تصویر که شما دارید چی است که شما جزء طبقهِ صنعتکار جامعه هستید، طبقهِ پولدار و متمول؟

BHPrivateKabul060818: نی متوسط گفته می شویم ما.

ک: متوسط یعنی به این معنا که شما همانقدر پول پیدا می کنید که در آخر ماه به مصرف میرسه.

BHPrivateKabul060818: نی [لبخند] به او اندازهِ که نیست. بیشترتر است. خو مقصد چیز گفته نمیشه. کارهای ما هم یک رقم هستند که قیمت های مس یک رقم بالا و پایین میشه، اصلا ما نمی توانیم که در اول سال یا تا آخر ساله معلوم نمی کنه. به خاطر این که مس یکی، دو ماه پیش بود، قیمت یک تُنش بود هفت هزار دالر، حالی رسیده به شش هزار دالر.

ک: ارزان شده!

BHPrivateKabul060818: ارزان شده، ها. دیگه ما همین طور کار می کنیم تا آخر سال. و آخر سال می بینیم که یا بالا شده یا پایین.

ک: منظورم از این بود که درک شما چی است از این که، موقعیت اجتماعی تان، بعد از این که آمدید به افغانستان، مردم مثلا شما ره چی رقم می بینه؟ مردم این طور می کنند که شما کم دار هستید، پولدار هستید، متوسط هستید، به چی شکلی است؟

BHPrivateKabul060818: مردم خو طبعا فکر می کنند که اینها پولدارند. وضع شان خوب است.

ک: تحصیلاتتان در چی حد است؟

BHPrivateKabul060818: مه تا صنف دوازده ره خوانده ام.

ک: اگه وقتش را داشته باشید یا فارغ باشید، از اینها کدامیک را انجام می دهید: به یک محفل هنری میرین، به یک محفل مشاعره میرین، به یک محفل کتابخوانی میرین یا این که با دوست ها میرین قرغه، یا حوض آببازی، یا ورزش بازی می کنید، بیلیارد می زنید، به یک رستورانت میرین. یا به هیچ یک از اینها پول ندارید؟

BHPrivateKabul060818: نی ما خو بیشتر همراهِ همین دوست ها هستیم. یا حوض میریم یا میریم به فوتبال میریم یا میریم به اصطلاح قرغه.

ک: فعلا ده کدام نقطه شهر زندگی می کنید؟

BHPrivateKabul060818: مه فعلا در کارته چهار میشه گفت. از دهمزنگ کمی بالاتر.

ک: قبلا هم همونجه زندگی می کردید؟

BHPrivateKabul060818: قبلا ده ساحه برچی بودیم. دو سال میشه که اینجه آمدیم.

ک: اطفال مکتب خصوصی میرن یا دولتی.

BHPrivateKabul060818: هم خصوصی هستند هم دولتی.

ک: بیشترشان خصوصی میرن یا دولتی؟

BHPrivateKabul060818: از ما یکی اش خصوصی میرن دیگر، دو تای دیگرش دولتی میره.

ک: طبعا برای ایجاد شرکت آدم یکه و تنها نمی توانه یک شرکت ایجاد کنه به این کلانی به این سطح و سویه. کس های که به شما کمک کردند کی ها بودند؟

BHPrivateKabul060818: برادر بود.

ک: فقط برادرتان کمک کرده

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: دیگه هیچ کسی، خویش و قوم و اقارب، کسی؟

BHPrivateKabul060818: نی نی. همو برادرم هستند همراهِ ما در شرکت همو برادرم است.

ک: فعلا چند موتر دارید؟

BHPrivateKabul060818: فعلا سه دانه موتر دارم.

ک: موتر شخصی؟

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: مودل هایشان چی نوع است؟

BHPrivateKabul060818: مودل هایشان یکی اش 2004 است، یکی 2008 است، دیگرش موتر باری است.

ک: منظورم این که کورولا است یا کروزین است!

BHPrivateKabul060818: نی نی! کورولا است.

ک: منظورم از پرسش این سوال این بود که آیا از برکت کار و صنعت تا چه حد توانسته اید رفاه خوده بالا ببرید، سطح رفاه زندگی تانه.

BHPrivateKabul060818: خُب تا جایی که خود ما و خانواده راضی باشند، برده ایم بالا.

ک: حج هم رفته اید؟

BHPrivateKabul060818: نی نرفته ام. برادرم رفته اند. از مه کلانتر هستند. مه دیگه فعلا شرایطش نبوده دیگه.

ک: اگه بخواهید سفر بروید برای تفریح یک کشور دیگری بروید چکر، خارج از افغانستان، دوست دارید کدام کشور بروید؟

BHPrivateKabul060818: دوست خو ما فقط، شرایط کاری باشه رفته باشیم. مثلا ایران زیاد رفته ام. چین رفته ام. دوبی رفته ام. ازبکستان، قزاقستان.

ک: این طور تمایل به این دارید که بروید در یک کشور دیگر زندکی کنید؟

BHPrivateKabul060818: نی نی!

ک: از ایران مثلا کاملا کارخانه ره اینجه آوردید؟

BHPrivateKabul060818: کاملا. خانه و مانه ای که داشتیم کلشه سودا کردیم.

ک: دلیل چی بود مثلا، چرا [از ایران آمدید]

BHPrivateKabul060818: دلیل خوب دیدیم شرایط افغانستان خوب بود آن زمان. مثلا، 5، 6 سال پیش این شرایط خوب بود. مشکلات نبود. گفتم بیایم اینجه افغانستان کشور خود ما است.

ک: حالی از این تصمیم تان راضی هستید؟

BHPrivateKabul060818: نی حالی هم چاره ای نیست دیگه. مجبور.

ک: چرا مثلا، چرا چاره نیست؟

BHPrivateKabul060818: دلیلش این است که دیگه نمی توانیم برویم جای دیگه.

ک: چرا نمی توانید بروید جای دیگه؟

BHPrivateKabul060818: خُب به خاطری که اینجه به اصطلاح غرق شده ایم دیگه [خنده].

ک: غرق به چی معنا؟

BHPrivateKabul060818: غرق به این معنا که تمام دار و ندار ما همینجه است. ماشینری خریده ایم. جایشه و این گپ ها. دیگه نمیشه که این ره [نامفهوم]

ک: این ره نمیشه که [قطع]

BHPrivateKabul060818: نی! انتقال داده نمیشه.

ک: قابل انتقال نیست؟

BHPrivateKabul060818: نی! قابل انتقال نیست.

ک: قابل فروش هم نیست؟

BHPrivateKabul060818: قابل فروش هم نیست.

ک: پس یک دلیل این که ترجیح می دهید باشید این است که گویا بند افتاده اید؟ سرمایه بند افتاده؟

BHPrivateKabul060818: بله بله

ک: چند باب خانه دارید؟

BHPrivateKabul060818: خانه [مکث طولانی] داریم یک دو تا، سه تا خانه داریم.

ک: از برکت کار و صنعت توانسته اید خانه بخرید؟

BHPrivateKabul060818: بله!

ک: از درآمد شرکت بوده که خانه خریده اید؟

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بدهید که چی گونه انسان هایی هستند؟ ده چی نوع مشاغلی مصروف هستند؟ نشست و برخاست تان همراه چی رقم انسان ها است؟

BHPrivateKabul060818: دوست های که هستند کتی ما کلشان کس هایی هستند که در کار، کاسب هستند، بعضی شان در کارهای ساختمان سازی هستند، دیگه ده همی کار تولیدی هستند، دیگه همی کس ها هستند. کس هایی هستند که هم‌سطح خود ما هستند.

ک: یعنی صنعتکار هستند!

BHPrivateKabul060818: ها! ها! ده کار صنعت هستند.

ک: چون شما مدت زیادی بوده فعال بوده اید یک تصویری خوبی از روند امنیتی دارید که ده سطح کشور امنیت خوب و خراب شوه، بالای کار صنعت، بالخصوص کار شما ره تا چی حدی متضرر ساخته؟ یعنی یا مقاد رسانده؟ از سال 1385 به این طرف؟

BHPrivateKabul060818: ما سال 95، 96، 94 متضرر شدیم ده همی وضعیت ناامنی و مشکلات های که در ولایات بوده. دیگه باز هم ما راضی هستیم و چاره ای هم نیست. مجبور هستیم همینجه باشیم.

ک: پس از سال 95 به بعد، مثلا، به چه شکلی ناامنی [قطع]

BHPrivateKabul060818: ناامنی خو مثلا ولایت ها هستند. ما خود ما نمی توانیم برویم. مشتری های هم آنجا داریم راضی نیستند، میگن خوب نیست. کاسبی خراب است. ده خود کابل زیاد مشکلات آنچنانی نیست. باز هم خوب است.

ک: تصمیم گیری در شرکت به چی نوع است؟ متمرکز است؟ یعنی یک نفر، شما، یا برادر محترم تصمیم می گیرید و ابلاغ می کنید یا این که، ساختار تصمیم گیری به چی شکل است؟ شما هیات مدیره دارید؟ هیات اجرایی دارید؟ چی رقم؟

BHPrivateKabul060818: ما تصمیمی که می گیریم از همینجه گرفته میشه، نظر به تولید. ما چیزی که مثلا در بازار نیاز است، ما باید تولید کنیم. اگه قیمت پایین باشه یا بالا باشه. دیگه ما خو از همینجه چی می کنیم، دیگه آنها در اونجه کار خودشان هستند و نظر می گیرند که این مثلا چی وقت تولید شوه، اینش چی وقت تولید شوه. باز خودشان [نامفهوم]

ک: تصمیم گیری پس در دست شما است؟

BHPrivateKabul060818: ها! تصمیم گیری از همینجه است. چون مه فروشات ده دستِ مه است نی! ما گدام ره می بینیم که هر سایزی [size] که کم باشه پنج شنبه لست می دهیم که اینی چیزها کم است. باز آنها خودشان تصمیم می گیرند نظر به کارش که کدامش ده اول تولید شوه کدامش ده دوم و سوم.

ک: پس بیشتر متمرکز است نوعیت تصمیم گیری؟

BHPrivateKabul060818: بله بله.

ک: باز شاگردها برعلاوه معاش چی خدمات دیگری برایشان داده میشه؟ مثلا نانشان داده ...[قطع]

BHPrivateKabul060818: شاگردها که است ما آنجا خرج و مصرفش کاملا پای ما است. دیگه آشپز و اینها داریم و روی برنامه شروع است، برای چاشت یک چیز پخته می کنه، برای شو دیگه چیز پخته می کنه.

ک: کس هایی هم داریم که اینجه شب باش باشند؟

BHPrivateKabul060818: اینها اکثرشان می مانند.

ک: خوب؟

BHPrivateKabul060818: ها! شاید یک 5 فیصدش خانه بروند بقیه اش می مانند.

ک: چرا دلیل ماندنشان چی است؟

BHPrivateKabul060818: آنها اکثرشان از ولایت ها هم هستند و راه هایشان هم دور است. دیگه ده همو سمت، طرفِ شهر هم که باشه خو باز برایش دور است بهتر است "میگه می مانیم همونجه". پنج شنبه ها باز ساعت یک تعطیل می کنند می روند. باز شنبه شش بجه می آیند پس.

ک: از کدام ولایت ها می آیند بیشتر کارگرها؟

BHPrivateKabul060818: کارگرها خو از ولایت های مختلف استند و از همه جای هستند و خو اکثرا خانه یشان کابل است. یک مقدار شاید خانه یشان غزنی باشه. غزنی و بامیان باشه. دیگه اکثرشان همینجه کابل هستند.

ک: باز کارگرها شامل کدام اتحادیه ی کارگری یا کدام چیزی هستند؟

BHPrivateKabul060818: نی! نی! نیستند!

ک: بیمه و این گپ ها خو ندارند؟

BHPrivateKabul060818: نی ندارند!

ک: کس های که در تصمیم گیری در داخل شرکت سهیم هستند همه یشان از افغانستان هستند؟

BHPrivateKabul060818: بله ها.

ک: رابطه یتان با دیگه شرکت های که در عین صنعت مصروف هستند چی است؟

BHPrivateKabul060818: رابطه ی ما خوب است، مشکل نداریم. همیشه هماهنگی هستیم. یک چیزی یک وقت کم و کسری میشه، از اینها می توانیم بگیریم. ما هم به آنها میتیم اگه ضرورت باشه.

ک: به حساب رقابت چی؟ رقابتتان به چی شکل است همراهِ شرکت ها [قطع]

BHPrivateKabul060818: نفهمیدم.

ک: با دیگه شرکت ها رقابتتان به چی شکل است؟

BHPrivateKabul060818: رقابت خو ما اینجه رقابت ما که است پاکستان و ایران و چین و اینها هستند. داخلی خو مثلا سه تا، چهار تا شرکت بیشتر نیستیم که کار تولیدی می کنند.

ک: خوب خوب. کار تولید سیم سه، چهار شرکت بیشتر نیست!

BHPrivateKabul060818: بله، بیشتر نیستیم.

ک: با آنها هیچ احساس چی نمی کنید؟

BHPrivateKabul060818: نی! نی!

ک: احساس رقابت!

BHPrivateKabul060818: نی! نی!

ک: دلیل چی است چرا؟

BHPrivateKabul060818: ما هر کسی ده همو کار خودش است و ما همیشه هم از بازار پسمان هستیم. چیزی نیست که ما رقابت کنیم.

ک: ده حد کافی تقاضا وجود داره پس؟

BHPrivateKabul060818: بله!

ک: خدمات دولت چی، مثلا، شما قبل از این که بیاید از ایران کارخانه ره بیاورید اینجه به شما کسی گفت، مشوره داد که ده افغانستان این بخش بازارش وسیع است یا ما در این بخش به سرمایه گذاری نیاز داریم، یا این که در جریان کار تولید به شما کمک رسانده باشند، در قسمت معلومات در قسمت دسترسی به مواد خام و این چیزها؟

BHPrivateKabul060818: ما سال 83 آمدیم خود ما برای سه ماه ده همی افغانستان ماندیم. بعد رفتیم برگشتیم ایران و بعد تصمیم گرفتیم که بیاییم. و تصمیم همین شد که بیاییم، کابل بیاییم. باز آمدیم ده همی ساحه ی کابل ده پارک های صنعتی یک جای ره پیدا کردیم. دو سال، سه سال هم جای ما به کرایه بود. بعد از او ته‌جای خود ما خریدیم و شروع کردیم به فعالیت.

ک: یعنی دولت به شما کدام کمکی نکرده؟

BHPrivateKabul060818: نی! فقط دولت برای ما همین برق ره داده اند و خلاص. دیگه کدام کمکی نکرده [با صدای خفیف]

ک: ده قسمت فروشات و این حرف ها هم [نکرده]؟

BHPrivateKabul060818: نی! نی!

ک: در قسمت بازار و در قسمت بالا بردن تعرفه، تعرفه بر واردات، شما با دولت مذاکره کرده اید؟

BHPrivateKabul060818: همراه دولت، بله، راجع به همی تعرفه اینها با ما همکاری کرده اند.

ک: چی رقم همکاری؟

BHPrivateKabul060818: مثلا، مواد خام ره 1 فیصد کرده اند. موادی که از بیرون می آوریم. همین قدر کار کرده اند برای ما.

ک: در قسمت مواد پخته ای که از بیرون [...] موادی مصرفی که از بیرون می آیه، سیمی که از بیرون می آیه، بالا او تعرفه ره بالا نبرده اند؟

BHPrivateKabul060818: ده او قسمت هم یک چیزی تعرفه ره بالا برده اند؟

ک: کدام سال بالا برده اند؟

BHPrivateKabul060818: از سال 94 شد همین رقم.

ک: این ده نتیجه چی بوده [بالا رفتنِ تعرفه]؟ شما رفتید گفتینش [دولت ره] یا این که آنها خودشان احساس کردند؟

BHPrivateKabul060818: خودشان هم احساس کردن و اگر چه ما هم درخواست داده بودیم. خو خودشان هم یک احساس کردند. همه ی چیزها ره بالا بردند خو منتها [قطع]

ک: چند فیصد بالا بردند تعرفه ره؟

BHPrivateKabul060818: تعرفه ره 5 فیصد، نهایت 10 فیصد بالا برده اند. چون از ما هم 20 قلم، 30 قلم مال است. اینها هم چیزهای مختلف.

ک: باز همراه نهادهای غیرانتفاعی هم در ارتباط هستید؟ مثلا نهادهای خیریه ای باشه که از شما پول تقاضا کنه یا این که شما به آنها پول بدهید؟ از مجرای درآمد شرکت؟

BHPrivateKabul060818: نی! نی!

ک: این طور وقتی شده که در جریان همین چندین سالی که فعال بوده اید، احساس کرده باشید که کار تولید دیگه باصرفه نیست و دروازه اش ره بسته کنید و برخیزید و بروید به یک طرف دیگه؟ از 85 به این طرف؟

BHPrivateKabul060818: نی نی. این طور احساس نکرده ایم.

ک: هیچ وقت این احساس ره نداشته اید؟

BHPrivateKabul060818: نی نی!

ک: بازاریابی و فروشاتتان بیشتر در کدام شهر صورت می گیره؟

BHPrivateKabul060818: بیشتر همین کابل است.

ک: امیدواری تان برای ادامه ی تولید چی است؟

BHPrivateKabul060818: امیدوار هستیم دیگه که روز به روز خوب شده بروه!

ک: به چی لحاظ می زنید این حرف ره؟ چرا به این امیدوار هستید که خوب شوه؟

BHPrivateKabul060818: وقتی که کشور امن شد و آرامی شد، معلومه خوب شده میره دیگه! ما مثلا ده سال 85 تولید ما بسیار ضعیف بود. در روزی یک 500 کیلو، 400 کیلو ره هم تولید نداشتیم. حالی مثلا ده دو تُن تولید ما رسیده است، ده 24 ساعت. خُب همین [نشان می دهد] که بهتر شده است.

ک: ارزش مواد خام داخلی در تولیدات شما به چی حد است؟ چقدر ره از داخل افغانستان شما به دست می آورید؟

BHPrivateKabul060818: 60 فیصد ره از داخل به دست می آوریم. 40 فیصد ره وارد می کنیم.

ک: چی چیزهایی ره از داخل به دست می آورید؟

BHPrivateKabul060818: مثلا همین کارتن از داخل میشه، پلاستیکش از داخل میشه، لیبل هایش از داخل میشه، مسش از داخل میشه. پی.وی.سی اش از بیرون می آیه.

ک: تنها پی.وی.سی اش ره از بیرون؟

BHPrivateKabul060818: بله، تنها پی.وی.سی اش ره.

ک: شرکت های دیگری بوده که آمده باشند برای شما پیشنهاد کرده باشند که ما در این بخش، شما نیاز ندارید از بیرون بیاورید، ما شرکت ایجاد می کنیم که برای شما بفروشند همین مواد ره؟

BHPrivateKabul060818: بله ها. کارتن ره ما همین گونه شرکت های داخلی بودند. سابق ما از ایران می آوردیم. حالی مثلا از همینجه تهیه میشه. پلاستیکش هم همین طور.

ک: از کدام سال به این طرف؟

BHPrivateKabul060818: از سال 90 تقریبا به بعد.

ک: از سال 90 به بعد. کارتن هم؟

BHPrivateKabul060818: ها! پیش از او ما از ایران می آوردیم.

ک: ماشین آلاتی که دارید به درد کدام تولید دیگری هم می خوره؟ مثلا [قطع]

BHPrivateKabul060818: نی! نی نمی خوره! فقط برای سیم است.

ک: قابل انتقال هم نیستند هیچ کدامش؟

BHPrivateKabul060818: نی نی!

ک: این طور هم شده که تولید داشته باشید و یک فیصدی اش در گدام باقی مانده باشه؟ به فروش نرسیده باشه؟

BHPrivateKabul060818: ها ها! میشه.

ک: مثلا چند فیصدش این گونه شده؟

BHPrivateKabul060818: 10 فیصدش باشه.

ک: شما، اگر 10 فیصد باشد، باز می گویید که تولید بند شوه یا چی رقم؟

BHPrivateKabul060818: نی! نی! ما اگر حین تا 80 فیصد هم باشه تولید ما ادامه است. اصلا نمی توانیم ... تولید خوده ایستاد نمی کنیم. زمستان ها مثلا بسیار گدام ما چیزش بالا میره، ولی باز هم تولید می کنیم.

ک: رقابت با رقیب های خارجی ره چی رقم می بینید؟ با پاکستان و چین و کشورهای دیگری که کالای مصرف روان می کنند؟

BHPrivateKabul060818: ما خو امید به این است که ما، آنها نتوانند کتی ما رقابت کنند. و یک چیز ما هم همین است که از دولت، همین معدن های که در داخل است، انشاالله راه بیافتند. اگر مثلا مس افغانستان راه بیافته آنها هیچ وقت نمیتانند کتی ما رقابت کنند. فعلا هم آنها نمی توانند با ما رقابت کنند. چون ما هم از داخل هستیم. مواد مهم ما که است مس است. از داخل تهیه میشه.

ک: مواد چی است، دستِ دوی مس است؟

BHPrivateKabul060818: بله!

ک: فروشاتتان بیشتر به چی شکل است؟ اوگرایی می فروشید یا این که [قطع]

BHPrivateKabul060818: هم اوگرایی هم است و هم نقد است.

ک: بیشترش به چی شکل است؟

BHPrivateKabul060818: همین 50، 50 است تقریبا.

ک: معیارتان باز چی است که مثلا برای یک کسی قرض بدهید؟

BHPrivateKabul060818: ما این کس ها ره خو می شناسیم. دکاندار هستند. اینجه دکان هایشه شناختیم. صد فی صد سریشان اطمینان ما ثابت نشه دیگه برایشان نمیتیم.

ک: چندین بار می فروشید که بالاخره بالایشان اطمینان می کنید؟

BHPrivateKabul060818: بله بله.

ک: کس های ره که نقد می فروشید آنها کس هایی است که بالایشان اعتماد ندارید؟

BHPrivateKabul060818: اعتماد نداریم یا از اطراف و ولایات ها استند. ولایت ها را ما قرض نمی دهیم.

ک: تنها کابل ره قرض می دهید؟

BHPrivateKabul060818: ها! تنها همین جاده ی نادر پشتون که کابل باشه مشکل نداره چون همیشه در دسترس ما است.

ک: بازاریابی تان بیشتر به چی شکل صورت می گیره؟ یعنی شما می روید مستقیم همراه نفر می بیننید؟ همراه خریدار نو چی رقم آشنا می شوید؟

BHPrivateKabul060818: خریدارها خو خودشان همینجه می آیند. ما خو دنبالشان نمی گردیم که شما بیایین. خریدارها خودشان می آیند دیگه. کسی نو می آیه ده دفعه، سه دفعه از ما نقد می خره. باز که دیدیم حساب خوب است، ما باز پرسان می کنیم باز یک وقت یک چیزی بمانم برایش مشکلی نیست.

ک: باز ولایت ها چی رقم؟

BHPrivateKabul060818: ولایت ها هم اکثرش همینجه کابل می آیه.

ک: اینجه می آیند و رابطه ایجاد میشه؟

BHPrivateKabul060818: بله ها!

ک: اگر بخواهید برای یک کسی اوگرایی بدهید، برای بار اول، آنها باز کدام تضمینی می دهند برای شما؟

BHPrivateKabul060818: خُب یک کس یک دکانداری است که مگین "مه فلانی دکاندار ره می شناسم" باز ما میریم میگیم یا خودش می آیه میگه این آدم مشتری ما است. مشکل نداره. برایش بته.

ک: کدام پالیسیِ برای نوآوری هم دارید؟ مثلا در تولیداتتان نوآوری کنید یک چیزی نو ایجاد کنید که مرغوبتر باشه و دارید این گونه چیزی؟

BHPrivateKabul060818: بله!

ک: کی است مسولش در شرکت؟

BHPrivateKabul060818: مسولش همین شرکت است، بله، انجنیر داریم. که آنها روز به روز کوشش می کنند چیزهای خوبتر تولید کنه.

ک: چی چیزی ره شما می توانین نشان بدهید که یک نوآوری باشه؟ آخرین نوآوری تان چی بوده؟

BHPrivateKabul060818: آخرین نوآوری ما مثلا همین کار مس ره شروع کردیم. که از کبار این ره ذوب کردیم و دوباره این ره به مفتول تبدیل کردیم و دوباره رساندیم به کاری که خودما استفاده کنیم. همین کارها نوآوری است برای ما.

ک: منظور در ظاهر تولیداتتان بود [قطع]

BHPrivateKabul060818: ظاهر تولیدات نه. سیم خو یک شکلی دارند که این ره همه مثلا همه کس تولید می کنه، نیستند که نوآوری شوه.

ک: حد اوسط در روزی شما چند ساعت کار می کنید؟

BHPrivateKabul060818: روزی 12 عت. کارخانه خو 24 ساعت کار می کنه. دو شفت کار می کنه. مثلا از شش صبح تا شش دیگر. از شش دیگر تا شش صبح.

ک: کارگرها ده دو شفت کار می کنند؟

BHPrivateKabul060818: ده دو شفت کار می کنند بله!

ک: شما هم 12 ساعت کار می کنید؟

BHPrivateKabul060818: بله!

ک: این طور شده که از برکت درآمد این شرکت یک، در یک بخش دیگری سرمایه گذاری کرده باشید، از بخش تولید ده بخش دیگری، ده بخش خدمات؟ ساختمانی و [قطع]

BHPrivateKabul060818: بخش ساختمانی ها. ما یک خانه برای خود جور کرده ایم. شش طبقه است، هجده واحد.

ک: به عنوان یک تجارت دیگری شما باز کرده اید؟

BHPrivateKabul060818: بله.

ک: چی بوده، چی باز کرده اید؟

BHPrivateKabul060818: ده همی بخش خانه سازی.

ک: چند خانه تا به حالی ساخته اید؟

BHPrivateKabul060818: شاید تا به حال ده خانه ساخته باشیم.

ک: شرکت دارید رسما؟

BHPrivateKabul060818: نی دیگه شرکت نبوده. همین طور شوقی بوده.

ک: سوال آخرم این است که یکی خو آدم می خواهه ده بخش تولید [...] همو اول که سنگ بنایشه ماندین در ایران، باز آمدید به افغانستان، انگیزه یتان چی بود؟ چرا در بخش برق؟ اول این که در بخش صنعت چرا؟ و سپس، چرا بالخصوص در بخش تولید سیم برق؟

BHPrivateKabul060818: همین بخش ره ما بسیار علاقه داشتیم از اول هم. علاقه ای داشتیم که در همین بخش برق و اینها [قطع]

ک: شما از اول دخیل بودید در قسمت ایجاد شکرت؟

BHPrivateKabul060818: از اول خو ما آنجا [در ایران] دکانداری می کردیم. بعد از او تصمیم به این گرفتیم که تولیدی بزنیم. باز آنجا یک مدتی کار کردیم، تولیدی داشتیم. باز تصمیم به این گرفتیم که بیاییم داخل افغانستان، آرامی شد.

ک: همین که تصمیم گرفتید از کارِ دکان بروید به کار صنعت، انگیزه اش چی بود در ایران؟

BHPrivateKabul060818: انگیزه اش این بود که همه ی دکاندارها بودند که تولیدی خودشان ره داشتند. ما هم کوشش به همین کردیم که ما خوده کتی آنها برابر کنیم.

ک: خوب خوب خوب. دیگه دکاندارها داشتند و [قطع]

BHPrivateKabul060818: بله ها، داشتند.

ک: شما سیم می فروختید؟

BHPrivateKabul060818: بله، سیم. بعد از او ده همی تصمیم شد که برویم خود ما تولیدی بزنیم. بعد از او که اینه افغانستان آرامی شد اینه آمدیم گفتیم برویم داخل افغانستان. آمدیم به این طرف.

ک: چند کارگر داشتید ده ایران؟

BHPrivateKabul060818: ایران هم همین ده، دوازده نفر بود.

ک: درست. تشکر!

BHPrivateKabul060818: خواهش می کنم!